

طرح نوسازی و بهسازی بافت تاریخی با تأکید بر رویکرد بازآفرینی شهری

مورد پژوهی: بافت تاریخی شهر رفسنجان

فاطمه باقری^۱

^۱ کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد

نام نویسنده مسئول:

فاطمه باقری

چکیده

دیدگاه بازآفرینی شهری به عنوان اصلی ترین رویکرد مرمت و حفاظت شهری براساس تحلیل دقیق وضع یک منطقه هدف، تطابق همزمان بافت کالبدی، ساختار اجتماعی، بنیان اقتصادی و وضع محیط زیست یک منطقه، موجب احیای همه جانبه بافت می شود مداخله در بافت تاریخی شهرها به مفهوم امروزی آن به اواخر قرن نوزدهم و قرن حاضر به ویژه پس از جنگ جهانی دوم بر می شود. فرآیند صنعتی شدن در غرب که موجب رشد سریع شهرنشینی و ازدحام جمعیت در شهرها شد و به تدریج شرایط زندگی را دشوار ساخت. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی می باشد. برای گردآوری اطلاعات با مراجعه به منابع معتبر کتابخانه ای، اسنادی، مقالات الکترونیکی و مطالعات میدانی جمع آوری شده است. در این مقاله با استفاده از نرم افزار SPSS و استفاده از آزمون فریدمن برای تحلیل داده ها استفاده خواهد شد. نتایج تحقیق نشان می دهد: بازآفرینی روابط اجتماعی و سلسله مراتب انسانی در اجتماع است. در مجموع شهر هویت فردی و اجتماعی انسان در عرصه زندگی را محیا می کند. می توان گفت آنچه به عنوان بافت تاریخی از آن نام می بریم مجموعه ای از عناصر است که تغییر هر یک موجب تحول هویت شهر است بناها و آثاری که در نقاط مختلف شهرها و روستاها از دوره های تاریخی متفاوت باقی مانده است. بدین ترتیب پیشنهادهایی هم چون تقویت بنیه اقتصادی بافت از طریق ایجاد فضاهای شهری جذاب و درآمدزا، ارتقاء کیفیت محیط زیست ایمن و سالم، برقراری پیوند عمیق تر مابین انسان و مکان و بافت قدیم و بافت همجوار و... ارائه می شود.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی، شهر رفسنجان، باز آفرینی شهری

بیان مسئله :

در دوره تحولات جدید شهرنشینی و مشکلات ناشی از آنها، مراکز و بافت های تاریخی شهرها بیش از سایر نقاط شهری در معرض تأثیرات نامطلوب توسعه شهری قرار گرفته اند؛ چنانکه پیامدهای این موضوع را در سیمای شهرهای تاریخی دنیا و بویژه شهرهای تاریخی ایران، به روشنی می توان دید؛ تا آنجا که لزوم احیای ارزشهای بافتهای تاریخی در مسیر تحولات جدید، ناگزیر می نماید. کهنگی و قدمت بافتهای یاد شده از یک سو و بهره کشی شدید و بی علاقگی ساکنان و مالکان به نوسازی منطقه از سوی دیگر، به فرسودگی و فساد کالبدی، کاهش ارزشهای محله ای، افول کیفیت های فرهنگی، بصری، اجتماعی، اقتصادی و حتی ویرانی بسیاری از بافتها، تجهیزات و تأسیسات موجود در این بخش از شهرها انجامیده است که در صورت عدم جلوگیری از آن، به مرگ و انهدام بافتهای یاد شده منجر خواهد گردید. علاوه بر این، وجود این پدیده، فساد کالبدی را به بافت های مجاور نیز تسری خواهد داد. بافت های تاریخی و سنتی شهرها که می توانند به عنوان توجیه افتخارات گذشته، احراز هویت ملی و مردمی، ارضای احساسات خاطره انگیز و ... مورد توجه قرار گیرند، به مکان های فرسوده های تبدیل شده اند که افت زندگی اجتماعی، متروک و نیمه متروک شدن بناها، وجود مسکن نامناسب و نایمن، نامتناسب بودن شبکه های دسترسی، کمبود یا فقدان تأسیسات و تجهیزات شهری و در مجموع، تنزل کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... به وضوح مشاهده می گردند.

با پیدایش انقلاب صنعتی، تغییرات بنیادین و همه جانبه ای در شهرها پدید آمد. در این میان نظام ساختاری شهرهای سنتی ما نیز با کمی تأخیر در مقایسه با کشورهای صنعتی دست خوش تحولات چشم گیری شد و ویژگی های ارزشمند نظام محله ای خویش را در جدالی نابرابر بین سنتی شدن و مدرن شدن از دست داد. بنابر این، نظام محله ای شهرهای امروزی، در مقایسه با بازه های ارزشمند اجتماعی و کالبدی محلات سنتی و تاریخی، شاهد ناکارآمدی ساختاری و از هم گسیختگی اجتماعی و به کوتاه سخن «ناپایداری» است. روند شکل گیری محله های قدیمی که طی دورانی طولانی شکل گرفته بودند، به گونه ای بوده است که در پاسخ گویی به نیاز فردی و اجتماعی ساکنان از کارایی لازم برخوردار باشد. اما به نظر می رسد دگرگونی در عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی شهرها به طور عام و در محله ها به طور خاص آثار منفی زیادی بر کارایی آنها در پاسخ گویی به نیازهای ساکنان داشته است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۶). در این میان، ناحیه تاریخی شهرها میراث ارزشمند معماری و کالبدی از پیشینیان است که در طول زمان در هویت بخشی به حیات شهری همواره نقش بارزی داشته است. این ناحیه از شهر تجلی گاه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مردمانی است که در دوره های تاریخی در این بخش از شهر روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده اند (کلانتری خلیل آباد و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۷۸).

در واقع فرآیند باز آفرینی شهری، با مسأله " توسعه پایدار " ارتباط مستقیم دارد. از طرفی عادت ها و فرهنگ و سنن خاص خود را دارد و از طرف دیگر به سوی هم شکل شدن با کشورهای عضو اتحادیه اروپا پیش می رود، امروزه بحث ارتقاء کیفیت محیط زیست بر اساس مبانی توسعه پایدار، در مجامع علمی مطرح است (کریمی پور، ۱۳۸۸) (DETR, ۲۰۰۰). شهرک های جدید فرایندی است که باید از یک پیشرفت تدریجی برخوردار باشد. (Unep ۲۰۰۴: 10).

علاوه بر دیدگاه باز آفرینی شهری به عنوان اصلی ترین رویکرد مرمت و حفاظت شهری براساس تحلیل دقیق وضع یک منطقه هدف، تطابق همزمان بافت کالبدی، ساختار اجتماعی، بنیان اقتصادی و وضع محیط زیست یک منطقه، موجب احیای همه جانبه بافت میشود (فرجی ملایی، ۱۳۸۹: ۱۴). در این دیدگاه از این واقعیت که شهرها برای دوره های طولانی، عرصه های تولید فرهنگ و بسترهای نوآوری های فرهنگی بوده اند و ذائقه هنری، سلیقه و گرایش به انواع مد (اسلوب گرایی)، در آنها تکوین یافته، بهره برداری شده است. از آنجایی که علی رغم تغییر بسیاری از سازوکارهای اقتصادی، جریان ایجاد ذائقه و تغییر مد، بیش از همیشه در آنها حضور دارد و بر امکان استفاده از همین نقش تاریخی به عنوان راهبردی اساسی در ادامه حیات شهرها، تأکید شده است. در پاسخ به رویکردهای قبلی که محوریت باز آفرینی را توسعه مستقیم اقتصادی قرار می دادند، به این نکته اصلی اشاره می شود که باز آفرینی شهری در عامل فرهنگ بهره نجوی، موفقیتی نخواهد داشت (لطفی، ۱۳۹۰: ۴۹).

بافت تاریخی و مرکزی شهر رفسنجان، به عنوان شناسنامه تاریخی این شهر و اندام زنده پیکر شهری و با توجه به نیازهای ساختاری و عملکردی عمومی شهر، باید جایگاه مناسبی به آن اختصاص داده شود. در این زمینه باید تلاش های متعددی در جهت درک و شناخت ارزش های عمیق فرهنگی و هنری این شهر تاریخی که نخستین گام در احیا و ساماندهی آنهاست، انجام شود و شناختی که به ارائه راهبردهایی با روش های جامع و منسجم در راستای احیای هسته تاریخی شهر با کیفیتی ماندگارتر، منجر شود.

پیشینه تحقیق

مطالعه پژوهش های قبلی صورت در هر زمینه ی تحقیق می تواند به شناخت موضوع و تدقیق اهداف مورد مطالعه باشد بنابراین در ارتباط با موضوع تحقیق از پژوهش های داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است که به شرح زیر می باشد :

سرائی ، علیان ، (۱۳۹۴) ، در مقاله ای با عنوان **سنجش و ارزیابی میزان پای داری محله ای در بافت تاریخی شهر یزد** چنین بیان می کند : امروزه، اهمیت حل مسائل شهری از کوچکترین واحد، یعنی محله بر برنامه ریزان آشکار شده است. پایداری و حرکت به سمت توسعه پایدار چندین دهه است که مورد توجه قرار گرفته و محله پای دار زیربنای توسعه پایدار شهری معرفی شده است. محله پایدار درصدد متناسب کردن ساختار خود با نیازهای امروزی ساکنان و رویکردی دوباره به مؤلفه های از دست رفته دوره های پیشین است: آن چنان که محلات تاریخی متناسب با نیازهای ساکنان خود شکل می گرفتند و پاسخ گوی اکثر نیازهای آنان بودند. پژوهش حاضر با هدف سنجش و ارزیابی شاخص های پایداری در مقیاس محله انجام شده و در راستای پایداری محله ای، با تعریف عملیاتی این شاخص ها، در پی دست یابی به میزان پایداری در محله های بافت تاریخی است. این پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی - توسعه ای و از نظر روش از نوع توصیفی تحلیلی است. برای نیل به هدف ذکر شده، با استفاده از منطق فازی به سنجش میزان پایداری محلات اقدام شده است. نتایج گویای این است که محلات بافت تاریخی از نظر میزان پایداری در شرایط مساعدی به سر نمی برند و در وضعیت پایداری ضعیف و کمتر از متوسط هستند. از میان محلات نه گانه تاریخی شهر یزد، محله گودال مصلی با ارزش ۴۷۴/ در مقایسه با سایر محلات در شرایط بهتری قرار دارد. رتبه های بعدی به محلات شیخداد، فهادان، شش بادگیری، پشت باغ، گازارگاه، گنبد سبز، زرتشتی ها و در نهایت دولت آباد اختصاص دارد. بدیهی است که اوضاع کنونی مورد تأیید رویکرد محلات پایدار و نیل به شهر پایدار نیست و تا دست یابی به آن راهی طولانی پیش روی مدیران شهری قرار دارد. بنابراین، التیام مسئله ناپایداری محلات بافت تاریخی با توجه به ارزش کهن آن باید در چهار بعد اقتصادی، زیست محیطی، فیزیکی کالبدی و اجتماعی - فرهنگی به صورت سیستماتیک، با تأکید بر بحث «عدالت» و با به کار گیری راهبردهای منطبق بر قوتها و ضعفها جهت ارتقای آنها از اولویت برخوردار باشد.

روستایی و همکاران ، ۱۳۹۶، در مقاله ای با عنوان **اولویت بندی راهبردهای احیای بافت تاریخی شهر مراغه با تأکید بر رویکرد**

بازآفرینی فرهنگ مدار چنین بیان می کند : مراکز تاریخی شهرهای ایران مهم ترین جاذبه های گردشگری این شهرها هستند و وجوه تمایز و خصوصیات منحصربه فرد مکانی، تاریخی و فرهنگی هر شهر را در واقع باید در همان بافت تاریخی و آثار کالبدی و معنایی به جا مانده در آن جستجو کرد. اما سیستم شهری در بافت های تاریخی که یکی از ارکان ارزشمند و هویت بخش در شهرها می باشند مبتلا به مشکلات فروان می باشد. لذا در این راستا مدیریت شهری نیاز به شناسایی و تبیین مسایل مبتلا به سیستم شهری دارد و از آنجایی که اجرای هر طرح یا برنامه در درجه اول نیاز به شناخت تنگناها و امکانات، تعیین اهداف، راهبردها و سیاست ها دارد. بنابراین مقاله حاضر برآن است تا با شناخت فرصت ها تهدیدهای موجود در بافت تاریخی با رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا به استخراج راهبردها و سیاست های احیا دست یابد بدین منظور پس از معرفی محدوده مرکزی- تاریخی مراغه، مؤلفه های اصلی احیای فضاهای تاریخی شهرها در قالب ماتریس سوات در محدوده بافت تاریخی مورد ارزیابی قرار گرفته است. سپس با توجه به اینکه همه راهبردها به طور یکسان قابلیت اجرایی ندارد راهبردها را بر مبنای اصول و معیارهای مدیریت راهبردی، طی مطالعات پرسشنامه ای از مسئولین و متخصص شهری با استفاده از روش الکترو اولویت بندی کرد از این رو راهبردهای به ترتیب ۱- تبدیل بناهای تاریخی به مکان های مورد استفاده گردشگران (هتل، رستوران و موزه) ۲- تغییر ترکیب فعالیتی محدوده و جایگزینی فعالیت های گردشگری و پذیرایی ۳- ساماندهی فعالیتی بازار و بازسازی

بازارچه‌ها بالاترین اولویت را برای احیای بافت تاریخی دارند.

امین زاده، دادرسی، ۱۳۹۱، در مقاله با عنوان **بازآفرینی فرهنگ مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری**، چنین بیان می‌کند: در این مقاله، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از اصول گردشگری شهری، راهکارهایی برای بازآفرینی بافت‌های تاریخی کشور که به عنوان سرمایه‌های ارزشمند امروزه در مرکز توجه نهادهای شهری واقع شده‌اند، ارائه گردد. در این باره، از بازآفرینی فرهنگی به عنوان رویکردی اساسی تحقیق استفاده شده است. در این رویکرد، فرهنگ به عنوان یکی از سرمایه‌های اصلی شهر شناخته می‌شود. شهر تاریخی قزوین با برخورداری از بافتی تاریخی و واجد ارزش مرمت، حفاظت و نگهداری و با دارا بودن پتانسیل‌های بسیار مناسب تاریخی و جاذبه‌های گردشگری، امکانات توسعه فراوانی دارد؛ با این حال، در اثر برخی سهل‌انگاری‌ها و اقدامات بی‌ملاحظه و نیز عدم توجه به روند فرسودگی، علی‌رغم وجود طرح‌های متعدد، مشکلات بافت در سال‌های اخیر افزایش یافته است و نیاز به احیای فعالانه بافت را ضروری نشان می‌دهد. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و با اتکا به مرور پیشینه تحقیق از سویی، بررسی اسناد مربوط به بافت تاریخی قزوین و مطالعات میدانی از سوی دیگر، به تحلیل مسئله می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که راهکار برون‌رفت از مشکلات و احیای بافت‌های تاریخی ارزشمند در گرو اجرای برنامه‌هایی است که بر راهبردها و سیاست‌های تعاملی بین بازآفرینی فرهنگی و گردشگری فرهنگی شهری استوار است. رویکرد گردشگری فرهنگی نیز مانند بازآفرینی به نوبه خود از ابزار مؤثر در احیای بافت‌های تاریخی محسوب می‌شود. بالفعل‌سازی پتانسیل‌های بالقوه گردشگری و هویت تاریخی در رابطه‌ای مستقیم با یکدیگر، حیات واقعی و مدنی شهری را تضمین می‌کند. جهت تدقیق موضوع، کاربست راهبردهای پیشنهادی در طراحی بافت تاریخی قزوین مورد بررسی قرار گرفته است تا زمینه تحول و معاصر سازی یکی از بافت‌های ارزشمند میراث فرهنگی کشور فراهم گردد.

شبابانی، ایزدی، ۱۳۹۶، در مقاله‌ای با عنوان **سازي بازآفريني يکپارچه شهري بافت هاي تاريخي شهر اسلامي**، چنین بیان می‌کند: نارسایی حاصل از تسلط الگوهای غیربومی، تاکنون تبعات سنگینی را بر سازمان شهری ما تحمیل کرده است. تقلید سطحی و لحاظ نشدن بنیان‌های فرهنگی - اجتماعی بومی، علاوه بر اینکه نتوانسته‌اند به دلیل ناسازگاری با هویت شهر ایرانی - اسلامی مسأله‌ای را حل کنند؛ گاه اجرای نابجایشان معضلی مضاعف ایجاد کرده است. تمدن اسلامی سرشار از شواهدی است که نشان می‌دهد مسلمانان با هوشمندی، تعامل و تعاطی با دیگر فرهنگ‌ها همواره نتوانسته‌اند رهیافت‌های مثبت را در خدمت تدوین الگوهای بومی در آورند؛ لذا بومی سازی و بهره‌مندی از دستاوردهای مثبت، به ویژه تجارب موفق می‌تواند در دستیابی به الگویی متناسب با ساختار فرهنگ خودی، تسهیل‌گر و تسریع‌کننده باشد. برای پاسخ به چالش معنادار میان مقوله‌های توسعه و حفاظت در بافت‌های تاریخی شهرهای اسلامی، در این پژوهش سیاست بازآفرینی یکپارچه شهری مورد مذاقه واقع شده و با توجه به مؤلفه‌های آن و منطق زمینه‌گرایانه‌اش، جستجوی الگوی بومی از بازآفرینی یکپارچه‌ی شهری در بافت‌های تاریخی شهر اسلامی در دستور کار قرار گرفته است. بدیهی است که این موضوع به دنبال تک‌ساحتی شدن انسان امروز و به تبع آن ناهماهنگی در ساختار شهر اسلامی در پی گسست فرهنگی و تزریق مؤلفه‌های بومی نشده، تنها از طی طریق در مسیر بازشناسی هویت اسلامی شهر و اجزای آن مبتنی بر اساس فکری اسلامی میسر می‌شود. روش کیفی پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی - تحلیلی، گردآوری اطلاعات را از طریق شیوهی اسنادی دنبال می‌کند. منابع اصلی پژوهش، ادبیات مبسوط بازآفرینی شهری، نظریات اندیشمندان اسلامی، قرآن کریم، روایات ائمه معصومین، میراث به‌جامانده از شهرهای اسلامی در این بافت‌هاست و نتایج بدست آمده ارائه می‌مؤلفه‌های بومی شدهی بازآفرینی شهری مستخرج از منابع اصیل اسلامی و ارائه‌ی مدل مفهومی بازآفرینی یکپارچه شهری در بافت‌های تاریخی شهر اسلامی است. اصل وحدت اصل راهبردی در میان بقیه‌ی اصول است که تمام مؤلفه‌های بازآفرینی یکپارچه شهری به منظور تحقق آن شکل می‌گیرند و تحقق یکپارچگی در بازآفرینی با رویکرد اسلامی مشروط به تحقق اصل وحدت است. باید رویه‌های متوازن، چندوجهی و یکپارچه را در قالب بازآفرینی یکپارچه به عنوان سیاستی منسجم اتخاذ نمود؛ و قاعدتا در این مسیر باید زمینه‌های بومی، الزامات و شرایط منحصر به فرد هر بافت و هویت خاص ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را بطور خاص لحاظ نمود.

پور احمد و رمضان ، ۱۳۹۰، در مقاله با عنوان **هرم بازآفرینی بافت تاریخی شهری با استفاده از مدل سوات** نمونه موردی : بافت تاریخی شهر بابل ، چنین بیان می کند : با اجرای ناموفق طرح های نوسازی و بهسازی شهری باعث توجه به پدیده جدیدی به نام پایداری برنامه ریزی شهری شده است. که از عمده ترین رویکردها در زمینه پایداری، تجدید حیات بافت تاریخی شهری و تاکید بر رویکرد باز آفرینی است. این روش استیلا، به بت مشارکت، اسکنان توجه بیشتری می نماید. با توجه به اهمیت باز آفرینی شهری هدف در این پژوهش کشف متغیرها و عامل اصلی موثر در باز آفرینی پایدار بافت تاریخی شهری است. در این مقاله مفهوم باز آفرینی پایدار شهری و عوامل اساسی برای افزایش این پایداری در بافت تاریخی شهری را بررسی و تحلیل می نمائیم. بدین منظور ۳۲۶ پرسشنامه بین شهروندان محلی تکمیل و ارزشیابی شده اند. روش تحقیق در پژوهش حاضر ترکیبی است از روش استادی، میدانی، پیمایشی و تحلیلی و روش نمونه گیری، روش تصادفی است که با استفاده از پرسشنامه صورت می گیرد، از تجزیه و تحلیل) به تحلیل SWOT است همچنین با استفاده از روش مدل سوات، نرم افزار تحلیل آماری SPSS، راهبردهای مهم در باز آفرینی بافت تاریخی و قدیمی شهری پرداخته، نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می دهد که باید در نحوه اجرای طرح های باز زنده سازی یا احیای شهری با زنگری و مشارکت مردم به عنوان عاملی مهم در پایداری پروژه های شهری در نظر گرفته شود.

سئوال های تحقیق

چه عوامل و فاکتورهایی در بازآفرینی بافت تاریخی رفسنجان اثر گذار است؟

راهکارهای مناسب برای کاهش نوسازی و بهسازی بافت تاریخی رفسنجان چیست ؟

۳-۲-سئوالات یا فرضیه های تحقیق:

به نظر می رسد بین بازآفرینی بافت تاریخی شهر رفسنجان با بهبود وضعیت کالبدی ، اقتصادی ، اجتماعی آن رابطه ی مستقیمی برقرار است .

اهداف تحقیق

۱. شناسایی مسائل بافت تاریخی شهر رفسنجان

۲. تبیین راهکارها و راهبردهای احیای بافت تاریخی شهر رفسنجان

۳. ارائه رویکرد نظری جهت بازآوری و بازآفرینی بافت تاریخی شهر رفسنجان

اهمیت و ضرورت تحقیق

مداخله در بافت تاریخی شهرها به مفهوم امروزی آن به اواخر قرن نوزدهم و قرن حاضر به ویژه پس از جنگ جهانی دوم بر می شود. فرآیند صنعتی شدن در غرب که موجب رشد سریع شهرنشینی و ازدحام جمعیت در شهرها شد و به تدریج شرایط زندگی را دشوار ساخت (۷۸ p , 2005 , Klantari & Pourahmad). برهم خوردن تعادل اکولوژیک در شهرها در حقیقت زمینه مداخله مدیریت و برنامه ریزی احیاء ناحیه تاریخی شهرها را فراهم ساخت.

جنبش احیاء و مرمت شهری و در ادامه آن بازآفرینی و نوزایی شهری به ویژه در مراکز شهری جهان سوم به دلیل عقب ماندگی زمانی و توسعه نیافتگی و ساختار چند گانه حاصل از نفوذ استعمار و تلاطم ناشی از دوران گذار از فرهنگ سنتی به فرهنگ صنعتی، هویت مقلعی بودن آنها و تأثیرپذیری راهبردها از سیاست روز بدون پشتوانه فلسفی و تئوریک، تنگنایی است که در حال حاضر کشورهای جهان سوم با آن مواجه هستند(Bianchini & Parkinson, 1993, p.113)

چارچوب مفهومی و مبانی نظری :

مقدمه: شهر، نهادی است انسانی و مدنی که زندگی و پایداری حیاتش را مرهون دگرگونی است. شهر اگر دگرگون نشود می میرد، دگرگونی ای که همزمان در کالبد و ارتباط، جمعیت و فرهنگ، تولید و خدمات تحقق می پذیرد و به آشکار نیست که کدام عامل و کدام متغیر بیش از سایرین به دگرگونی شالوده ساختاری شهر می انجامد. شهر ها معمولاً پس از رفع مسایل ریشه ای و اساسی که به منابع اصلی حیات معطوف می شوند، پذیرای همه چیز و هر چیز می شود. خلاصه، شهر ، الزاماً سیری متری و متعالی را پی نمی گیرد؛ آدمی، به همان

صورت که شیفته زیبایی می شود، به نهان کاری و سیاهکاری هم روی می آورد. بدین منظور نوسازی و بهسازی شهری اقدام مداومی است که در روند شهرسازی شهرهای تاریخی صورت می گیرد. هر چند که شهرهای جدید هم از این اقدام بر کنار نیستند، اما این موضوع اساسا در شهرهای تاریخی، با بناها و فضاهای قدیمی، ملموس تر است.

انواع بافت های شهری بافت تاریخی کهنه، فرسوده و نابسامان شهری که در هسته مرکزی یا میانی شهرها واقعند و نیازمند ساماندهی هستند به لحاظ ویژگیهای فضایی، کالبدی و ارزشی، همسان نبوده و از هم متمایزند(اسدی و فردانش، ۱۳۸۹: ۱۷).

انگاشت بافت های تاریخی:

ابنیه و فضایی که قبل از ۱۳۰۰ هجری شمسی شکل گرفته و به ثبت آثار ملی رسیده با قابلیت ثبت شدن را دارا می باشند تماما واجد ارزش فرهنگی تاریخی هستند.

بافت قدیم : آن بخش از بافت های شهری را شامل می شود که قبل از ۱۳۰۰ شکل گرفته ولکین به دلیل فرسودگی کالبدی و فقدان استانداردهای ایمنی، استحکام و خدمات و زیرساخت های شهری علیرغم برخورداری از ارزشهای هویتی از منزلت مکانی و سکونت پایین برخوردارند.

مشخصات بافت قدیم

توجه به اقلیم: در ساخت ابنیه موجود در این محلات اقلیم بسیار مورد توجه قرار گرفته است. معمولا ساختار بناها

در فرم حیاط مرکزی شکل می گرفته و کوچه ها در اقلیم کویری و نیمه کویری با مقیاسی انسانی و غالبا با سایه خنک بودند. جهت گیری ابنیه بر مبنای داشتن حداکثر آفتاب در زمستان و سایه در تابستان بوده است.

- مصالح بومی : استفاده از مصالح بومی موجب وحدت و هماهنگی سطوح خارجی بناها شده است. زیرا تفاوت موجود بین رنگ و جنس مصالح مزبور چندان نیست که خللی در این امر وارد کند .

- ساختار ارگانیک : راه های درون بافت به صورت تدریجی و بر حسب نیاز ساکنین شکل گرفته اند که شکلی غیر

خطی و پیچ در پیچ دارند.

- معابر: معابر از چند جهت قابل بررسی هستند: نظام و سلسله مراتب راه، کیفیت راه، مقیاس، تناسبات.

در بحث سلسله مراتب میتوان گفت که هر یک از راهها از موقعیت و خصوصیات کمابیش معینی برخوردار بودند که موجب هدایت و کنترل فعالیت ها و رفتار های جاری در آن میشد. اهل هر محل درون همان کوی و محل خود به تفریح و محفل و... می پرداختند.

- درونگرایی : بناه های بافت چه متعلق به فردی متمول و ثروتمند باشد و چه متعلق به فرد فقیری از نظر نمای

بیرونی تفاوت نمی کنند. آنچه متمایز کننده آنهاست سبک معماری درونی خانه هاست.

- محرمیت : در بافت تاریخی سلسله مراتبی از محرمیت را مشاهده میکنیم. در حالیکه در محلات جدید نه تنها این سلسله مراتب وجود ندارد بلکه مسئله اشرافیت ابنیه این محرمیت را از بین برده است.

- مقیاس انسانی: احترام و اولویت به پیاده و شکل گیری فضا براساس دید انسانی(همان: ۱۷).

مفهوم باز آفرینی

به کارگیری رویکرد بازآفرینی باید همراه با تحول در نظام سنتی برنامه ریزی، تصمیم گیری و تفویض اختیارات به حکومت های محلی باشد. با ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت بخش خصوصی، مردم، گروه های داوطلب شرایط را برای حضور سرمایه گذاران و مدیریت عمومی طرح ها

فراهم سازند. رویکرد مذکور به دنبال یافتن نشانه‌های مشکلات شهری از طریق بهبود مناطق فرسوده است. نه تنها به دنبال احیای مناطق متروکه نیست؛ بلکه با مباحث و کیفیت گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی بخصوص برای کسانی که در محلات فقیرنشین زندگی می‌کنند، سروکار دارد. درواقع قابلیت‌هایی که در مناطق فرسوده وجود دارد. با بهره‌گیری از مشارکت گسترده عمومی با صرف کمترین بودجه، حیات اجتماعی و رونق اقتصادی را به بافت بازگرداند. طرح‌های تهیه‌شده انعطاف‌پذیر، بلندمدت بوده؛ در طول زمان و نسبت به شرایط تغییرات بسیاری پیدا می‌کنند. در این رویکرد احیا و باز زنده سازی بافت بر بازسازی آن ارجحیت دارد؛ تلاش می‌شود با دستیابی به راه‌حل‌های مبتکرانه و نوآورانه، کمترین تغییر در سیمای کلی بافت ایجاد شود.

در زیست‌شناسی بازآفرینی به معنای رشد مجدد بافت‌های آسیب‌دیده یا از دست‌رفته با ترمیم سیستمی برای رسیدن به حالت اولیه آن است بازآفرینی با رشد مجدد، فعالیت‌های اقتصادی درجایی که از رونق افتاده؛ با بازگرداندن عملکردهای اجتماعی جایی که فاقد آن شده؛ با همبستگی اجتماعی جایی که کاهش یافته؛ و بازگرداندن کیفیت، محیط زیستی و یا تعادل اکولوژیکی جای که از بین رفته است (صرافی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۰).

واژه «Regeneration» از ریشه فعل Regenerate به معنای احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن، از نو رشد کردن بوده و همچنین در تعریف این عبارت گفته می‌شود که به معنای بازتولید طبیعی، بخشی از یک تمامیت زنده است که در معرض نابودی قرار گرفته است (Robert, 2000 به نقل بحرینی و همکاران: ۸۵).

به عبارت بازآفرینی فرآیندی است که تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به معنای واقعی را انجام می‌دهد؛ با بازگرداندن نقش‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی محدوده مورد نظر قابلیت استفاده مجدد را می‌بخشد.

مفهوم بازآفرینی در دانش بیولوژی

در بیولوژی بازآفرینی فرایند نوسازی، ترمیم و رشدی است که منجر به تاب‌آوری ژنوها، سلول‌ها، موجودات زنده، اکوسیستم‌ها در برابر نوسانات طبیعی و اتفاقاتی است. که منجر به اختلال، آسیب در آن‌ها می‌شود. بازآفرینی به‌عنوان یکی از وضعیت‌های کلی در فرایند رشد، یک ویژگی اصلی در هر موجود زنده‌ای به شمار می‌رود. هر موجودی؛ از باکتری تا انسان‌ها قابلیت بازآفرینی دارند. از آنجایی که حفظ یک عضو بدن وابسته به تغییر و تبدیل پی‌درپی است که به‌وسیله آن تمام بافت‌ها، اندام‌ها نوسازی و تجدید حیات می‌شوند، بدون بازآفرینی، حیاتی وجود نخواهد داشت (ایزدی، ۱۳۹۴: ۱۲) در جدول شماره ۱- جمع‌بندی از مفهوم بازآفرینی از دیدگاه‌های مختلف اشاره شده است.

جدول ۱- جمع‌بندی مفهوم بازآفرینی از دیدگاه‌های مختلف

دانش بیولوژی	ترمیم و رشدی است که منجر به تاب‌آوری ژنوم‌ها، سلول‌ها، موجودات زنده، اکوسیستم‌ها در برابر نوسانات طبیعی و اتفاقاتی است که منجر به اختلال و آسیب در آن‌ها می‌شود.
انسان	به معنی رشد مجدد بافت‌های از بین رفته یا رشد مجدد ارگان‌های آسیب‌دیده است.
شهرسازی	بازآفرینی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که منجر به معکوس کردن جریان افول اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در محدوده‌هایی که بازار بدون حمایت دولت توانایی این مسائل را ندارد، تعریف کرده است.

منبع: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۷

رویکردهای مواجهه با بافت‌های ارزشمند فرهنگی - تاریخی

-نیمه اول قرن بیستم: بازسازی

در اواسط دهه ۱۹۵۰، پس از کاهش موج کمبود مسکن سال‌های پس از جنگ که در شرایط جنگ باعث توقف برنامه پاک‌سازی آلونک‌ها شده بود، از سال ۱۹۵۵ این برنامه از سر گرفته شد. در سال ۱۹۵۴ قانون مربوط به احکام پاک‌سازی، خرید اجباری پاک‌سازی و خرید اجباری واحدهای مسکونی نامناسب به شکلی کارآمد آغاز شد. معیارهای نوینی به کار گرفته شد؛ در نتیجه، یارانه مربوط به نیازهای عمومی مسکن کاهش یافت، یارانه جدیدی برای بخش مسکن دولتی در راستای جایگزین آلونک‌ها در دستور کار قرار گرفت.

پس از جنگ جهانی دوم، طرح‌های بازسازی اجتماعی، اقتصادی اروپا به‌گونه‌ای تدوین شد؛ که نوعی الزام به تدوین برنامه‌های عمومی برای زندگی جدید را اجتناب‌ناپذیر نشان می‌داد. طرح لندن بزرگ ابر کرومبی (۱۹۴۴) باهدف کاهش چشمگیر ازدحام، نوسازی بخش مسکن فرسوده و جنگ‌زده تهیه شد. طرح یادشده پیشنهاد کرد؛ بیش از یک‌میلیون نفر طی سال باز توزیع شوند که از میان ۳۸۳ هزار نفر می‌توانستند در شهرها و شهرک‌های موجود در محدوده لندن بزرگ، ۳۸۳ هزار نفر در شهرهای اقماری جدید خارج از کمربند سبز و ۲۶۴ هزار نفر در فراسوی مرزهای ناحیه متروپولیتن اسکان مجدد یابند.

اما در حقیقت جهان و به‌ویژه قاره اروپا شاهد دو نوع بازسازی در این دهه بوده است، نوع اول که می‌توانیم آن را بازسازی اجباری بنامیم بازسازی بافت‌های شهری آسیب‌دیده از سوانح و بلایا مانند: زلزله، سیل، جنگ و آتش‌سوزی است. فرآیند بازسازی در این الگو شامل: پاک‌سازی و آواربرداری، دوباره‌سازی در محل وقوع سانحه یا جابه‌جایی واحدهای آسیب‌دیده به محل جدید می‌شود. اما در نوع دوم، بازسازی آمرانه متکی بر دیدگاه‌های اقتصادی است. تحقق اهداف اقتصادی مانند درآمدزایی در فرآیند مرمت شهری، به‌عنوان یک هدف عمده دنبال می‌شود (خداوردی، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۷).

دهه ۱۹۶۰ میلادی: باز زنده سازی

از اوایل دهه ۶۰، دلسردی نسبت به اقدامات بازسازی و پاک‌سازی طرح‌های توسعه مجدد آغاز گردید و خود زمینه‌ساز بروز واکنش‌های گسترده‌ای شد. از این‌رو در این دوران گستره‌ها، مناطق تاریخی شهرها از ارزش‌گذاری مجدد و قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار شدند. در این دوره کمبود حیات مدنی، اجتماعی در اقدامات بازسازی شهری سبب می‌گردد، که نگرش از بازسازی صرفاً کالبدی به نوسازی اجتماعی- فرهنگی معطوف شود. ویژگی این دوره تمایل به‌سوی استفاده مجدد از ابنیه، آثار تاریخی، گرایش به تجدید حیات کارکردی و باز زنده سازی آنان است. با این‌وجود رویکرد توان‌بخشی و تجدید حیات شهری در این دهه به‌هیچ‌وجه توفیق تبدیل شدن به یک رویکرد مسلط و غالب را نیافت (ایزدی و دانش‌پور، ۱۳۹۰).

دهه ۱۹۷۰ میلادی: نوسازی

عنوان منتخب نوسازی حاکی از سیر تحول نوسازی در مقوله‌های مهندسی / عمرانی به یک پدیده اجتماعی و اقتصادی است. رابطه بین فرهنگ، نوسازی با حضور ارگان‌های ذی‌ربط باید ضمن توجه به فرهنگ بومی و مشارکت فعالانه ساکنین را در نوسازی به دست آورند (Belssi, et al, 2012).

درواقع نوسازی در سه نسل شامل موارد زیر به عرصه ظهور رسید؛ نسل اول: دوران مداخلات بولدوزری و تأکید بر جنبه‌های کالبدی، نسل دوم: بهسازی محلات رویکرد جامع با تأکید بر مسائل اجتماعی و نسل سوم: باز زنده سازی بخصوص در مراکز شهری، رویکرد سودآوری با تکیه بر جنبه‌های اقتصادی می‌توان اشاره کرد (Carmon, 1999).

دهه ۱۹۸۰ میلادی: توسعه مجدد یا باز توسعه

باز توسعه یا توسعه مجدد نواحی شهری که پس از ۱۹۷۰ و در دوره سوم مداخله‌های شهری پا به عرصه گذاشت، در گذر زمان تکامل یافته، به‌طوری‌که مفاهیم و اصول خود را در طی زمان تکمیل کرده است. طبق نظر انجمن شهرسازی آمریکا، طرح‌های توسعه مجدد نواحی به

دنبال احیای مشوق‌های سرمایه‌گذاری مجدد در نواحی فرسوده و متروک شهری‌اند. استفاده مجدد از نواحی‌ای را که دارای وضعیت خاص و حاد محیطی باشند در سطح محلی مدنظر قرار می‌دهند (انجمن شهرسازی آمریکا، ۱۳۹۱: ۸۸). بدین ترتیب در کانادا، ایالات متحده آمریکا تمایل به نوسازی مناطق شهری به‌منظور بهبود کیفیت زندگی در شهر؛ در این رابطه باز توسعه زمین‌های رهاشده، توجه خاص سیاست‌گذاران، پژوهشگران شهری به دلیل مزایای گسترده که باز توسعه می‌تواند؛ برای جوامع شهری منجر به ایجاد اشتغال، پاکیزگی زمین از آلودگی و افزایش کیفیت زندگی شهری می‌شود (Sousa, Christopher ۱۳۸۱).

توسعه زمین را می‌توان به‌عنوان مدیریت تغییرات در نحوه استفاده از زمین تعریف نمود که هدف آن نظارت و هدایت مداوم تغییرات است. به‌نحوی که به بهترین شکل به اجتماع سودرسانی کند. مدیریت توسعه زمین عبارت است: از ایجاد هماهنگی میان خصوصیات زمین با نحوه استفاده از آن، در خصوص زمین شهری، مدیریت توسعه را می‌توان ایجاد هماهنگی میان ویژگی‌های زمین با جریان توسعه شهری تعریف نمود (مهدی زاده، ۱۳۸۳).

در آمریکا موضوع مدیریت توسعه تحت عنوان مدیریت رشد جایگاه وسیعی را در برنامه‌ریزی کاربری زمین دارد و موضوعاتی مثل تحقق‌پذیری طرح‌ها و ایجاد هماهنگی میان آن‌ها نیز به وظایف برنامه‌ریزی اضافه شده است. مدیریت رشد بر این اندیشه استوار است که توسعه باید به‌طور موازی با تأمین زیرساخت‌های لازم برای آن و ارتباطات بیرونی اقدامات پیش برود (رفیعیان، ۱۳۸۹).

دهه ۱۹۹۰ میلادی: بازآفرینی

از این دهه به دلیل مشکلات عدیده محیط زیستی، اجتماعی شهرها انگاشت بازآفرینی به‌صورت گسترده و کامل‌تر مطرح شد. امروزه بازآفرینی شهری نیز به معنای حل معضلات کالبدی، تنزل محیط‌زیست، که باهدف ارتقای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی جوامع شهری، بهبود کیفیت زندگی مردم و ارتقای سیمای شهری را برآورده سازد (Mir, 1996: 17-30).

جدول ۱- رویکردهای مواجهه با بافت‌های ارزشمند فرهنگی - تاریخی در دوره‌های مختلف

دوره زمانی	دهه ۱۹۵۰ میلادی	دهه ۱۹۶۰ میلادی	دهه ۱۹۷۰ میلادی	دهه ۱۹۸۰ میلادی	دهه ۱۹۹۰ میلادی
نوع سیاست	بازسازی ^۵	باز زنده سازی ^۴	نوسازی ^۳	باز توسعه ^۲	بازآفرینی ^۱
راهبرد ^۷ و جهت‌گیری اصلی	-پاک‌سازی نواحی مخروبه و ساخت مسکن بلندمرتبه با استفاده از فنون ساخت صنعتی -توسعه در حومه شهر	-تأکید بیشتر بر نواحی درون شهر -کوشش‌های آغازین برای احیاء	-تمرکز بر باز نوسازی نواحی مرکزی شهرها -افزایش توجه به نواحی محروم	-پروژه‌های مهم و فراوان توسعه و باز توسعه -پروژه‌های اقتدارگرایانه نمادین -پروژه‌های ^۶ خارج شهر	-حرکت به سوی شکلی جامع‌تر از سیاست و کاربست -تأکید بیشتر بر راه‌حل‌های یکپارچه
عوامل و ذینفعان کلیدی	-دولت ملی و محلی در درجه نخست -توسعه‌دهندگان و پیمانکاران بخش خصوصی	حرکت به سوی تعادل بیشتر میان بخش‌های عمومی و خصوصی	-تمرکززدایی در دولت محلی -نقش رو به رشد بخش خصوصی	-کاهش قدرت دولت‌های محلی -تأکید بر بخش خصوصی و نمایندگی‌های خاص -رشد شراکت دولت مرکزی و بخش خصوصی	شراکت میان بخش عمومی، خصوصی و اجتماع‌ها
سطح فضایی فعالیت	-تأکید بر سطوح محلی و سایت‌ها	پیدایش سطح منطقه‌ای فعالیت	در آغاز دهه، تأکید بر سطوح محلی و منطقه‌ای و سپس تأکید بیشتر بر سطح محلی	در آغاز دهه، تمرکز بر سایت‌ها و سپس تمرکز بر سطح محلی	-اتخاذ دیدگاه راهبردی -رشد فعالیت منطقه‌ای
تمرکز اقتصادی	سرمایه‌گذاری بخش عمومی به همراه شمول نسبی بخش خصوصی	ادامه سیاست‌های دهه ۱۹۵۰ به همراه تشویق بیشتر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	-پیدایش قیودی بر منابع بخش عمومی -شراکت نمایندگی‌های دولت محلی و مرکزی -رشد سرمایه‌گذاری	چیرگی بخش خصوصی به همراه -تأمین‌گزینشی دستمایه از سوی بخش عمومی	-تعامل بیشتر میان تأمین دستمایه از سوی بخش عمومی و تأمین خودخواسته دستمایه

^۱ Regeneration
^۲ Re development
^۳ Renewal
^۴ Revitalisation
^۵ Reconstruction
^۶ Project
^۷ Strategy

		خصوصی			
محتوای اجتماعی	بهبود مسکن و استانداردهای زندگی	-بهبود وضعیت رفاهی حرکت به سوی بهبود وضعیت اجتماعی	-عمل اجتماعی مبنا و توانمندسازی ^۸ بیشتر	-خودیاری اجتماع به همراه پشتیبانی بسیار گزینشی دولت -تأمین مسکن برای گروه های کم درآمد، توسعه تسهیلات ویژه اجتماعات و پرو گرام های آموزشی، تنها از اواخر دهه ۱۹۸۰	تأکید بر نقش اجتماع
نابند کالبدی	-پاک سازی و ساخت مسکن پرتراکم در نواحی درونی شهرها -توسعه پیرامونی	افزایش توجه به بهبود نواحی درون شهر	باز نوسازی گسترده تر نواحی شهری قدیمی نسبت به قبل	-پروژه های مهم جایگزینی و توسعه جدید -پروژه های اقتدارگرایانه نمادین	-تأکید کالبدی کمتر نسبت به دهه ۱۹۸۰ -توجه به میراث گذشته و نگه داشت آنها
محتوای رفاهت ^۹	-منظر سازی -تا حدودی گسترش فضای سبز	-افزایش توجه به محیط طبیعی -بهبود گزینشی محیط شهری	بهبود محیط	افزایش توجه به رفاهتی گسترده تر نسبت به محیط	معرفی اندیشه گسترده تری از پایداری محیطی

منبع: Roberts, 2001: 14

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و از لحاظ هدف کاربردی می باشد. برای گرد آوری اطلاعات با مراجعه به منابع معتبر کتابخانه ای، اسنادی، مقالات الکترونیکی و مطالعات میدانی جمع آوری شده است. در این مقاله با استفاده از نرم افزار SPSS و استفاده از آزمون فریدمن برای تحلیل داده ها استفاده شده است.

معرفی شهر رفسنجان:

شهر رفسنجان در شمال غربی کرمان در ارتفاع ۱۴۶۹ متری از سطح دریا در ۶۵ درجه و ۱ دقیقه طول جغرافیایی از نصف النهار گرینویچ و در ۳۰ درجه و ۲۴ دقیقه عرض شمالی از خط استوا واقع گردیده است. از نظر آب و هوا رفسنجان منطقه ای است خشک و کویری که دارای تابستانهای گرم و زمستان های سرد و خشک می باشد. شهر رفسنجان در گذشته قریه کوچکی بنام بهرام آباد در منطقه رفسنجان بوده ولی به علت واقع بودن بر سر راه یزد- کرمان به مرور بر وسعت آن افزوده گشت تا اینکه نام منطقه بدین قریه اطلاق گردیده و از بهرام آباد به رفسنجان تغییر نام داد. جغرافیدانان قرون اولیه اسلامی نام «بهرام آباد» را «اناس» ذکر نموده اند، زیرا «لسترنج در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی» (که در اواخر قرن نوزدهم به چاپ رسیده است) در مورد گذشته تاریخی بهرام آباد از قول اصطخری، ابن خرداد به و مقدسی

⁸ Empowerment

⁹ Approach

می نویسد: از رودان تا شهربابک سه روز راه بود و منزلگاه اول ده شتران نام داشته است. با توجه به این فاصله ها می توانیم بگوئیم که انار و بهرام آباد کنونی همان آبان و اناس قرون وسطی می باشد (طرح بافت تاریخی شهر رفسنجان، ۱۳۸۹).

نقشه ۱- کاربری اراضی شهر رفسنجان.



منبع: نگارنده، ۱۳۹۷

مسائل بافت تاریخی شهر رفسنجان

- متروک ماندن خانه ها علاوه بر فرسودگی کالبدی، جریان زندگی را از فضا خارج کرده و نوعی بازدارندگی و ترس از فضا را با خود دارد و خاطره ای ناخوشایند از حضور در محله اصیل شهر را از خود به جا می گذارد. فرسایش جداره ها، کف معابر و شانیت فضا را خدشه دار می کند و مشوق حضور مردم نمی باشد.

- به دلایل مسایل اقلیمی (ایجاد حداکثر سایه، جلوگیری از باد مزاحم کویر و ...) معبرها بسیار تنگ و کم عرض می باشند که با وجود محصوریت و تعریف فضایی مناسب، جایی برای حضور عناصر طبیعی و تلطیف کننده فضا در آن کمتر به چشم می خورد.

مسائل عملکردی:

- کاهش کارایی عرصه های عمومی نفوذپذیری کم بافت تاریخی به دلیل شکل گیری ارگانیک بافت

- کمبود و کیفیت پائین مراکز عمومی مانند فضاهای فرهنگی، پاتوق های محلی و فضاهای سبز

- عدم پاسخگویی به نیاز دسترسی سواره در مواقع بحران و اضطرار

- عدم تناسب فضای کالبدی شکل گرفته با نیازهای امروز به طور مثال واحدهای مسکونی موجود

- وجود کاربری های نامناسب و ناسازگار و عدم کارایی فضاهای عمومی با توجه به زمان مثل حمام های عمومی

- عدم وجود امنیت برای ساکنین در مقابل حوادث طبیعی مثل سیل و زلزله و...

مسائل زیست محیطی :

- آلودگی محیطی در ناشی از نبود سیستم دفع آبهای سطحی و عدم رعایت بهداشت جمع آوری زباله
- تخریب باغات و درختان موجود در مداخله های جدید و یا عدم حفاظت از آنها

مسائل اقتصادی:

- هزینه بالای تعمیرات و مرمت ابنیه و اقتصادی نبودن آن برای ساکنین
- عدم حمایت ارگان های مسئول در رابطه با حفاظت، مرمت و احیا بافتهای تاریخی عدم استفاده بهینه از امکانات اقتصادی موجود مانند بازار و تیمچه های قدیمی، کاروانسرای متروک و...
- بی رونقی و عدم صرفه سرمایه گذاری درون بافت

مسائل اجتماعی

- خروج ساکنین قدیم و اسکان افراد بدون تعلق خاطر به محله
- فروپاشی سازمان محله ای به مفهوم کاهش روابط افراد ساکن
- عدم وجود مشارکت مردمی مناسب در مرمت محله

مسائل معنایی

- زدوده شدن خاطرات جمعی و کمرنگ شدن نقش بناهای عمومی
- تضعیف هویت بافت های تاریخی به دلیل تغییر نیازها و مداخله های جدید
- تغییر سبک زندگی و عدم پاسخگویی محیط به شیوه زندگی جدید
- معاصر سازی بافت تاریخی بدون توجه به تصویر ذهنی مردم و سخن گذشته
- از بین رفتن سازمان فضایی قدیم و جایگزینی سازمان جدید، بدون توجه به ارزش های نهفته در آن (اسدی و فردانش ، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۸).

تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

در ادامه به آمارهای به دست آمده از یافته های تحلیلی پژوهش حاضر می پردازیم:

معیار اقتصادی

جدول ۲- نتیجه میانگین رتبه های معیار اقتصادی و شاخص های آن با استفاده از آزمون فریدمن

میانگین رتبه	مؤلفه ها
۳/۳۰	صرفه جویی در مقیاس
۳/۱۸	ایجاد اشتغال
۳/۰۵	قیمت پایین (مصالح ساختمان جهت بازآفرینی بافت)
۲/۸۰	ارائه خدمات و تجهیزات مناسب (جهت بازآفرینی بافت تاریخی)
۲/۶۸	کاهش هزینه های اضافی

منبع: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۷

با توجه به ارقام مندرج در جدول ۲ بیشترین عامل مربوط به مشارکت در صرفه جویی در مقیاس ۳/۳۰ درصد، بعد از آن شاخص ایجاد اشتغال ۳/۱۸ درصد، قیمت پایین (مصالح ساختمان جهت بازآفرینی بافت) ۳/۰۵ درصد، ارائه خدمات و تجهیزات مناسب (جهت بازآفرینی بافت تاریخی) ۲/۸۰ درصد و کاهش هزینه های اضافی با ۲/۶۸ نیز کمترین درصد است.

جدول ۳- نتیجه آماره آزمون فریدمن شاخص های مؤثر معیار اقتصادی

۲۰۰	جامعه ی آماری
۵.۵۴۸	آزمون آماری
۴	درجه ی آزادی
۳۶۰.۰	سطح معناداری

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 & \text{فرض پذیرفته می شود} \\ H_1: \rho \neq 0 & \text{فرض رد می شود} \end{cases}$$

نتیجه این آزمون با مقدار $\chi^2 = 5.548$ و در سطح ۹۹ درصد اطمینان یعنی در سطح خطای ۱ درصد ($\text{sig} = 360$) معنی دار نیست و رد می شود.

-معیار کالبدی

در رابطه با سؤالی که از شهروندان پرسیده شده با عنوان " معیار کالبدی و شاخص های آن پاسخ هایی دریافت شده است که در قالب جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- نتیجه میانگین معیار کالبدی و شاخص های آن با استفاده از آزمون فریدمن

میانگین رتبه	مؤلفه‌ها
۲/۷۹	کیفیت ابنیه
۲/۵۸	عمر ابنیه
۲/۳۷	راه های مواصلاتی
۲/۲۶	نوع سازه

نتیجه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد: کیفیت ابنیه با ضریب ۲/۷۹ بیشترین رتبه، عمر ابنیه با ضریب ۲/۵۸، راه های مواصلاتی با ضریب ۲/۳۷ و نوع سازه ۲/۲۶ به ترتیب از عواملی هستند، در احیای بافت تاریخی قابل تحقق است.

جدول ۵- نتیجه آماره معیار کالبدی و شاخص های آن با آزمون فریدمن

۲۰۰	تعداد
۱۰/۴۱۲	Chi-Square
۳	درجه آزادی
۰/۰۱۵	Asymp. Sig.

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 & \text{فرض پذیرفته می شود} \\ H_1: \rho \neq 0 & \text{فرض رد می شود} \end{cases}$$

نتیجه این آزمون با مقدار $\chi^2 = 10.412$ و در سطح ۹۹ درصد اطمینان یعنی در سطح خطای ۱ درصد ($\text{sig} = 0.015$) معنی‌دار است.

معیار اجتماعی

در رابطه با سؤال پرسشنامه، نتایج میانگین رتبه‌های جدول زیر نشان می‌دهد، دسترسی به نیروی انسانی متخصص برنامه‌ریزی شهری با ضریب ۲/۸۲ بیشترین رتبه، کاهش بزهکاری اجتماعی با ضریب ۲/۷۴ امنیت با ضریب ۲/۳۲ و نیروی مشارکت شهروندان با ضریب ۲/۱۳ به ترتیب از عواملی هستند که شهروندان در ارتباط با سؤال پرسشنامه پاسخ داده‌اند.

جدول ۶- نتیجه میانگین رتبه معیار اجتماعی و شاخص های آن با استفاده از آزمون فریدمن

میانگین رتبه ها	مؤلفه ها
۲/۸۲	دسترسی به نیروی انسانی متخصص برنامه ریزی شهری
۲/۷۴	کاهش بزهکاری اجتماعی
۲/۳۲	امنیت
۲/۱۳	مشارکت شهروندان

جدول ۶- نتیجه آماره معیار اجتماعی و شاخص های آن با آزمون فریدمن

۲۰۰	تعداد
۹/۹۳۰	Chi-Square
۳	درجه آزادی
۰/۰۱۹	Asymp. Sig.

$$\begin{cases} H_0: \rho = 0 \\ H_1: \rho \neq 0 \end{cases} \begin{cases} H_0: \text{فرض پذیرفته می شود} \\ H_1: \text{فرض رد می شود} \end{cases}$$

نتیجه این آزمون با مقدار $\chi^2 = 9.930$ و در سطح ۹۹ درصد اطمینان یعنی در سطح خطای ۱ درصد ($\text{sig} = 0.019$) معنی دار است.

جمع بندی و نتیجه گیری

مرکز تاریخی شهر همان هسته اولیه شهر است که شناسنامه پیدایش و رشد و دگرگونی شهر را تا به امروز رقم زده و نشان دهنده روال و شیوه زندگی ساکنان اولیه شهر می باشد. اغلب سخن از ارزش بناها و محله های کهن به میان می- آید، ارزش اجتماعی، ارزش فرهنگی، ارزش زیباشناختی، ارزش بافت شهری، ارزش معماری، ارزش تاریخی، و بالاخره ارزش حفظ مکان در کنار توجهات گوناگون مباحث مبتنی بر ارزش اقتصادی نیز در این میان جای خاصی دارد. ویژگی های عمده ای که بیانگر اهمیت مراکز تاریخی شهر است .

بافت قدیم و محله های شهری سمبل شکل زندگی انسان و فرآورد فرهنگ، هویت و تکنیک است و به مثابه اهمیت فرد در اجتماع هر دوره می باشد و شهر معیار ارزیابی از سویی فرهنگ را در یک تعریف بسیار کلی می توان مجموعه ای از اعتقادات، باورها، سنت ها و الگوهای رفتاری و نیز دان اطلاعات و ادبیات مکتوب و شفاهی یک جامعه دانست و آن را از تمدن که در این تعریف مجموعه ای از دستاوردهای جامعه است متفاوت است و شهر بازآفرینی روابط اجتماعی و سلسله مراتب انسانی در اجتماع است. در مجموع شهر هویت فردی و اجتماعی انسان در عرصه زندگی را محیا می کند. می توان گفت آنچه به عنوان بافت تاریخی از آن نام می بریم مجموعه ای از عناصر است که تغییر هریک موجب تحول هویت شهر است بناها و آثاری که در نقاط مختلف شهرها و روستاها از دوره های تاریخی متفاوت باقی مانده و به لحاظ تغییرات به وجود آمده در آداب و رسوم، معیشت، تغییرات سرعت و حرکت و غیره با فضاهای تغییر یافته مجاور خود رو به زندگی متفاوتی دارند. از آنجا که این آثار نشان دهنده پیشینه تاریخی هر قوم و ملتی می باشند ؛ چه در قالب تک بنا و چه به شکل یک بافت شهری نیازمند مراقبت های ویژه اند.

ارائه راهکارها و پیشنهاد ها

۱. تقویت بنیه اقتصادی بافت از طریق ایجاد فضاهای شهری جذاب و درآمدزا
۲. ارتقاء کیفیت محیط زیست ایمن و سالم
۳. برقراری پیوند عمیق تر مابین انسان و مکان و بافت قدیم و بافت همجوار
۴. ایجاد کاربری های مناسب و سازگار با ارتباطی منطقی و هماهنگ ، به منظور دستیابی به بافتی سرزنده، پویا، پر تحرک و فعال
۵. ایجاد فضاهای باز شهری به منظور ظهور تعاملات اجتماعی و فرهنگی
۶. تعریف ساختار و خوانایی و سهیم شدن در هویت شهری
۷. حس مکان یابی در فضا تقویت هویت محله مسکونی از طریق تعریف لبه ها و تعیین نشانه ها
۸. تعریف ستون فقرات محله با هویت محور پیاده محله
۹. حفظ و صیانت از عناصر با ارزش تاریخی - کالبدی جهت هویت بخشی بافت
۱۰. تجدید خاطره ساکنین رهگذرین از محدوده پردازش محیطی
۱۱. بستر طرح بافت قدیم انتقال فعالیت های ناسازگار از بافت موجود شهری به خارج محدوده

منابع:

۱. آیینی، محمد، اردستانی، زهرا السادات، هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه‌های توسعه درون زای شهری، نمونه موردی: (رویکرد قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به بهسازی و نوسازیافت های فرسوده شهری)، (۱۳۸۸)، مجله هویت شهر، پاییز و زمستان، دوره ۳، شماره ۵.
۲. بحرینی، سید حسین، ایزدی، محمد سعید، ایزدی، مفیدی، مهرانوش، ۱۳۹۲، رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره نهم، زمستان
۳. پامیر، سای. آفرینش مرکز شهری سرزنده. (۱۳۹۱). مترجم، مصطفی بهزادفر، امیر شکیبامنش مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران.
۴. خداوردی، پوریا، معززی مهر طهران، امیر محمد، ۱۳۹۵، بازآفرینی شهر مدل برنامه ریزی و مدیریت جریان زندگی، انتشارات آزاد پیما.
۵. شریف زادگان، محمد حسین، ندایی طوسی، سحر، ۱۳۹۴، روش‌های پژوهش کیفی در برنامه ریزی توسعه با تأکید بر برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۶. عبدی، محمد علی، مهدیزادگان، سیما، ۱۳۹۲، تدوین تجارب کشورهای خارجی بهسازی و نوسازیافت‌های شهری، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۷. لطفی، سهند، ۱۳۹۱، تبارشناسی بازآفرینی شهری از بازسازی تا نوزایی، انتشارات آذرخش
۸. لطفی، سهند، بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن مایه فرهنگی و کنش بازآفرینی، (۱۳۹۰)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۵، بهار
۹. نوفل، سید علیرضا، کلبادی، پارس، ۱۳۹۲، بازتوسعه زمین‌های قهوه‌ای، رهیافتی به سوی توسعه محلی پایدار، نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۵، بهار و تابستان، صص ۱۴۶-۱۳۳
۱۰. پور احمد، احمد، اکبرنژاد بایی، رمضان، ۱۳۹۰، هرم بازآفرینی بافت تاریخی شهری با استفاده از مدل سوات نمونه موردی: بافت تاریخی شهر زابل، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، سال سوم، شماره ۹، پاییز.
۱۱. امین زاده، بهناز، دادرسی، راحله، ۱۳۹۱، بازآفرینی فرهنگ مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری، فصلنامه مطالعات معماری ایران، دانشگاه کاشان.
۱۲. سرائی، محمد حسین، علیان، مهدی، ۱۳۹۴، سنجش و ارزیابی میزان پایداری محله ای در بافت تاریخی شهر بزد، فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. روستایی، شهرپور، ناصری، رقیه، پاشایی، سعید، ۱۳۹۶، اولویت بندی راهبردهای احیای بافت تاریخی شهر مراغه با تأکید بر رویکرد بازآفرینی فرهنگ مدار.
۱۴. شبانی، امیر حسین، ایزدی، محمد سعید، ۱۳۹۶، بومی سازی بازآفرینی یکپارچه شهری بافت های تاریخی شهر اسلامی، سال پنجم، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی.
۱۵. اسدی، علی، ۱۳۸۹، طراحی و ساماندهی منظر شهری در بافت تاریخی رفسنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری منظر استاد راهنما: مهدی شبانی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی تهران،

16. Bianchin i, F., & Parkinson, M. (1993). Cultural Policy and Urban Regeneration. Manchestet: Manchester University Press

17. Kalantari, H., & Pourahmad, A. (2005). The management and planning of restoration of historic texture of Yazd city. Geographical Research Journal, 1(54), 77-92.